

BEJ


مجله اخلاق زیستی

دوره دهم، شماره سی و پنجم، ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/bej>

مقاله پژوهشی

## مؤلفه‌های زیست اخلاقی در دیوان اشعار فارسی شهریار


**علی اکبر رادپور**

۱. دکترای زبان و ادبیات ترکی آذری، رئیس گروه امور اجتماعی و فرهنگی استانداری، تبریز، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** زیست اخلاقی یکی از چالش‌های اصلی در جهان معاصر است. جهان سنتی و جهان مدرن تفاوت فاحشی در بعد زیست اخلاقی دارند. در همین راستا، در مقاله حاضر کوشش بر این است که مؤلفه‌های زیست اخلاقی را در دیوان اشعار فارسی شهریار شاعر مطرح عصر حاضر مطالعه نماید.

**مواد و روش‌ها:** رویکرد این تحقیق توصیفی - تحلیلی است و با شیوه کیفی از نوع اسنادی انجام پذیرفته است. بدین‌صورت که دیوان فارسی اشعار شهریار طبق مؤلفه‌های زیست اخلاقی مد نظر متفکران و فیلسوفان اجتماعی بررسی شده و اشعار مرتبط با این مؤلفه‌ها انتخاب و تحلیل شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های مطالعه نشان داد که دوستی و وفاداری، عدالت و برابری، صداقت و درستکاری، تقوا و آزادی و آزادی که از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیست اخلاقی است، در جای جای اشعار فارسی شهریار حضور پررنگ داشته است. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که شهریار جهان حاضر را جهان تناقضات اخلاقی می‌داند. شهریار انسان واقعی را انسان اخلاق مدار، عدالت‌مدار، متعهد، متقی، درستکار، قابل اعتماد و انسان بیگانه را انسانی چاپلوس، فریبکار و غیر قابل اعتماد معرفی کرده و نگرانی‌های عمیق خود در خصوص زیست اخلاقی در جامعه را بیان کرده و اعتقاد دارد که تنها راه زیست اخلاقی، دینداری و انسانیت است.

**ملاحظات اخلاقی:** در انجام این پژوهش شرط امانتداری، درستکاری و صداقت رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه اشعار فارسی شهریار باعث می‌شود که گرایش انسان به زندگی اخلاق‌مدار بیشتر شده و ارزش‌های اخلاقی را بیش از پیش رعایت نماید. از نظر شهریار دوستی و عدالت مکمل یکدیگرند که بدون آن‌ها راستگویی و صداقت معنی نخواهد داشت. در سایه دوستی، عدالت و صداقت؛ تقوا، پاکی و مبارزه با نفس تقویت شده و زمینه برای آزادزیستن و آزادی فراهم می‌گردد.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

### واژگان کلیدی:

زیست اخلاقی

شهریار

دوستی

عدالت

صداقت

شعر

\* نویسنده مسئول: علی اکبر رادپور

آدرس پستی: ایران، تبریز، گروه امور اجتماعی و فرهنگی استانداری.

تلفن: ۰۹۱۴۱۰۲۵۸۸۴

نمابر: ۰۴۱۳۵۲۹۱۶۸۰

پست الکترونیک:

rad24024@gmail.com

## ۱. مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین مسائل امروز توجه به ارزش‌های اخلاقی جامعه است. ترسیم خطوط یک نظام اخلاقی معتبر و نوع رابطه آدمی با خود، دیگران، محیط و... به شدت وابسته به ارزش‌های اخلاقی است (۱). ارزش‌های اخلاقی صفاتی هستند که به انسان شخصیت عالی انسانی می‌بخشد و او را به مراتب رفیع‌تر، کمال‌تر می‌رساند؛ مثل نوع‌دوستی، میل به عدالت، میل به تقوا و پاکی، تعالی‌خواهی، دفاع از مظلوم و... این صفات عالی تا مرحله‌ای ریشه فطری دارد، یعنی بدون تعلیم و تبلیغ هر کس ادراکی از نیکی و بدی دارد و این همان چیزی است که به نام وجدان اخلاقی مشهور است. از مثال‌های بارز اخلاق فطری، زشتی ظلم و ستم، زیبایی عدالت و درستکاری، زشتی اسارت و بندگی و زیبایی آزادی است (۲-۳). کار اخلاقی یا نوع ارزش آن مافوق ارزش‌های مادی است که با پول و کالاهای مادی قابل محاسبه نیست؛ کار اخلاقی دارای ارزش و قیمت گران‌بهایی است که در ذهن بشر نمی‌گنجد و نمی‌توان ارزش‌های اخلاقی را با مقیاس‌های مادی اندازه‌گیری نمود (۴-۳).

کی‌یر کگور (Kier Kegaard) سه مرحله حیات و زیست برای انسان در طول زندگی خویش متصور بود. از نظر او، زندگی به گونه‌ای است که انسان یا برای خود زندگی می‌کند یا برای دیگران و یا برای خدا. وی هر کدام از این سه گزینه را به ترتیب مرحله «زیباشناختی (Aesthetic)»، مرحله «اخلاقی (Moral)» و مرحله «دینی یا ایمانی (Religious)» نام می‌گذارد. در مرحله اول شخص فقط برای ارضای آرزوهای شخصی خود زندگی می‌کند. به نظر کی‌یر کگور، همه انسان‌ها در حالت طبیعی در دسته زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرند و از همین مرحله شروع می‌کنند و سرانجام عده‌ای در همین مرحله می‌مانند و عده‌ای دیگر به مرحله اخلاقی می‌روند. در آنجا نیز عده‌ای می‌مانند و عده دیگری به مرحله بالاتر، یعنی مرحله دینی صعود می‌کنند. در مرحله نخست، دغدغه فرد

تغییر دادن خود نیست، بلکه تغییر محیط خارجی خود برای لذت بیشتر است. شخص متذوق مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و فکر پایداری به کسی یا چیزی را در سر نمی‌پروراند.

مرحله اخلاقی مرحله‌ای از وجود داشتن است که در آن، نخستین اندیشه فرد، انجام تکالیف است؛ تکلیفی که خود وی آزادانه و در عین آگاهی و وقوف کامل به مسؤلیت خویش قبول و اختیار کرده است. زندگی او همچون فرد مرحله اول تحت تجربه‌های زیباشناسی، یعنی خوشی و ناخوشی، زیبایی و زشتی، علاقه و بی‌زاری هدایت نمی‌شود، بلکه زندگی فرد اخلاقی تحت سلطه مقوله‌های خیر و شر یا همان مقوله‌های اخلاقی است. فرد اخلاقی صاحب نفس خویش است و بر عادات و احساسات و محیط‌های خارجی حکومت می‌کند. زندگی شخص اخلاقی معنادار می‌باشد، شخص باید خود را با جامعه هماهنگ کرده و مصلحت اجتماع را بر منفعت خویش مقدم بدارد.

مرحله دینی مرحله‌ای از حیات است که انسان در آن برای خدا زندگی می‌کند و در این مرحله، باید میان زندگی اخلاقی و دینی، تنها یکی را انتخاب کند، زیرا از جهتی دین امری غیر عقلانی است و از سوی دیگر، شخص دیندار باید از امور همگانی و اجتماعی سپهر اخلاقی بگذرد تا بتواند رابطه تن به تن با خدا داشته باشد. برای زندگی کردن در سپهر دینی، باید خدا را بر همگان مقدم دانست، همانطور که در سپهر اخلاقی، آسایش دیگران را بر آسایش خود مقدم می‌داند، اما مؤمن که رابطه‌ای با مطلق دارد، فراتر از همگانی‌ها عمل می‌کند، به خدا معتقد می‌شود و ایمان می‌آورد (۵).

«لئو تولستوی (Leo Tolstoy) با اشاره به هنر ملی، بر این باور است که نوع ادبیات و هنر فقط آن گاه به وجود می‌آید که انسانی «از زمره توده مردم» ضرورت انتقال احساس نیرومندی را تجربه کرده است، و آن را در جهت روشنگری دیگر افراد جامعه بیان کند (۶). تولستوی، رسالت هنر از جمله شعر را

آدمی تا عرش اعلا پر زدی زین بال علم  
گر تمدن متکی بر پایه اخلاق بود

با این اوصاف، در مقاله حاضر کوشش می‌شود تا به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

مؤلفه‌های زیست اخلاقی مد نظر اندیشمندانی مانند ارسطو، افلاطون، بیکن، سارتر، هگل، کانت، هابرماس و مطهری در دیوان اشعار فارسی شهریار چه جایگاهی دارد؟  
آیا شهریار به مؤلفه‌های مورد اشاره این اندیشمندان و فیلسوفان پرداخته است؟

۱-۱. پیشینه نظری مؤلفه‌های زیست اخلاقی: از منظر متفکرین، زیست اخلاقی یا اخلاقی زیستن در جامعه دارای مؤلفه‌های متعددی است که عبارت است از:

۱-۱-۱. دوستی و وفاداری: ارسطو (Aristotle) معتقد است که دوستی خصوصیات منحصر به فردی دارد. دوستی فضیلتی است که به ایجاد و گسترش عدالت در جامعه کمک می‌کند؛ با تکیه بر لیاقت‌ها و استعدادهاى طرفین، نوعی برابری میان آن‌ها پدید می‌آورد. ارسطو عدالت را پیونددهنده مردم جامعه و فضیلتی اجتماعی می‌داند که دربردارنده تمام دیگر فضایل است، اما در اخلاق نیکوماخوس (Nicomachus) دوستی را مستثنی می‌کند و آن را مقامی بالاتر از عدالت قرار می‌دهد و معتقد است با وجود آنکه عدالت بدون دوستی معنایی ندارد، آنجا که دوستی موجود باشد، دیگر نیازی به برقراری عدالت نیست، چراکه عدالت چنان است که با افزایش دوستی افزایش می‌یابد و گویا هر دو در زمینه مشترکی می‌رویند و پا به پای یکدیگر نمو می‌کنند.

ارسطو دوستی را از عدالت هم واجب‌تر می‌داند و معتقد است که بدون عدالت می‌توان دوستی داشت، اما بدون دوستی نمی‌توان به عدالت کامل دست یافت. اگر شهروندان با یکدیگر دوست باشند، نیازی به عدالت ندارند، حتی اگر عادل باشند،

ترویج اخلاق و خصال عالی اخلاق می‌داند. وی می‌گوید: هنر جهان‌پسند، همواره ملاک ثابت و معتبری با خویشتن دارد و آن ملاک ثابت و معتبر، معرفت دینی و روحانی است (۷). در همین راستا می‌توان گفت که فضیلت‌های اخلاقی یکی از ویژگی‌های اصلی ادبیات شعر در طول تاریخ بوده است.

شهریار، شاعری اخلاق‌گراست و شعرهای او در قالب‌های سنتی و نو و همچنین در مضامین عاشقانه، عارفانه، فلسفی و اجتماعی سرشار از رویکردهای اخلاقی و انسان‌ساز است. مهم‌ترین مضامین تربیتی مورد توجه وی مبارزه با هوای نفس، پرهیز از دنیاپرستی، مهرورزی و ترک خصومت، شرم، صبر و شکیبایی، ادب، سخاوت، قناعت، ترک آزمندی، محبت و فرونتی، احسان و نیکوکاری، عدل و انصاف، صداقت، خطا پوشی، امیدواری، دنیاگریزی، زهد و تقوی و نوع دوستی بوده است (۸-۹). شهریار در اشعار خود خوانندگان را از رداییلی همچون حرص، تکبر، ظلم، کینه، یأس، انتقام و... بر حذر می‌دارد. مسلم این است که خواندن اشعار شهریار، علاوه بر لادای ادبی و هنری، متضمن تعالیم سودمند اخلاقی و انسانی نیز می‌باشد و انسان عصر حاضر با خواندن این اشعار، بیش از پیش به لزوم پایبندی به اصول اخلاقی پی خواهد برد (۹).

آنچه از ما خوانده دنیا، درس اخلاق است و دین  
دین ما هم مکتب اخلاق بود ای هوشیار

سفارش به دانش‌آموزی و اندوختن علم و دانش در کلام و جهان‌بینی شهریار آشکار است، زیرا آگاهی و دانش، انسان را از ورطه جهالت می‌رهاند و چشم و گوش ضمیر او را به زندگی و اتفاقات آن باز می‌کند و نسبت به زورگویی‌ها و استبدادها آگاه می‌سازد، البته شهریار همواره تأکید می‌کند که این علم باید با خلاق همراه باشد تا نتیجه‌ای معکوس برای انسان به بار نیاورد و او را در ورطه غرور کاذب و ادعاهای پوچ نیندازد (۸).

هستند، اما در جامعه، هنجار فراگیر دیگری وجود دارد که مسؤولیت اجتماعی نامیده می‌شود. مسؤولیت اجتماعی، هنجاری است که بر اساس آن باید به افرادی که نیازمند هستند، مخصوصاً کسانی که به کمک ما وابسته‌اند، بدون هیچ چشم‌داشتی کمک کرد. نخستین بار دورکیم بر نقش مسؤولیت اجتماعی تأکید نمود. این هنجار برخلاف هنجارهای تقابل و انصاف که دربرگیرنده تحلیل هزینه پاداش هستند، برانگیزاننده نوع دوستی ناب می‌باشد.

رابرت پارک (Robert E. Park) معتقد بود با رشد شهرها، روابط غیر مستقیم و ثانوی جایگزین روابط مستقیم و چهره به چهره می‌شود و تلاش برای تأمین منافع شخصی، رفتارهای احساسی و عاطفی را تضعیف می‌کند (۱۱).

هابرماس (Habermas) دوستی را در غالب مقوله همبستگی مورد توجه قرار داد. همبستگی در نظام ارتباطی مطلوب هابرماس در کنار قدرت و اقتصاد به عنوان منشأ سوم مشروعیت و هنجارگذاری عمل می‌کند. به نظر وی، در نظام‌های اجتماعی غیر ارتباطی، پول و قدرت اجرایی (مدیریت) مکانیزم‌های سیستماتیک همگرایی اجتماعی هستند که کنش‌ها را نه از طریق مقاصد مشارکت جویان، بلکه به شکلی پنهانی و مخفی از آن‌ها و از طریق نهادهای قانونی هدایت می‌کنند. در حال که همبستگی چونان اشتراک بنیانی ارزش‌ها و دیدگاه‌ها و «یک فهم و تعبیر مشابه در باب این که چه چیزی مهم است و چه کاری ارزش انجام دادن دارد» است. بر این اساس، هابرماس، با مشاهده ظرفیت‌های موجود در وجوه زبانی و ارتباطی اعضای جامعه، امکان ارتباط همکارانه و هنجاری آن‌ها را در صورت گفتگویی، میسر می‌بیند و در عین حال هوشیار است که برداشت‌های مختلف از خیر در میان اعضای جامعه می‌تواند به انفکاک و تزلزل همبستگی اعضای جامعه کمک کند. همبستگی است که می‌تواند کنش گفتگویی به سوی خیر عمومی را تسهیل کند و از این رو در

باز هم نیازمند دوستی یا عشق هستند. در واقع به نظر می‌رسد که کامل‌ترین تحقق عدالت، همانا تحقق هم‌زمان دوستی یا عشق نیز است. دوستی مورد نظر ارسطو در دوران مدرن رو به سستی می‌نهد و جای دوستی را صلح و برابری می‌گیرند (۱۰).

بیکن (Bacon) معتقد است که در دوران مدرن برخلاف دروان کلاسیک، دوستی به امری فردی تبدیل شده و بیش از هر چیزی منافع شخصی را تأمین می‌کند و از ثمرات آن برای اجتماع انسانی سخنی به میان نمی‌آید. در جهان مدرن، با ظهور تکنولوژی و سبک زندگی مدرن که دوری و کاهش ارتباطات چهره به چهره اعضای جامعه از تبعات آن به شمار می‌رود، بیش از هر چیزی عرصه برای بازگشت دوستی در معنای ارسطویی آن تنگ می‌شد. این روند با ظهور اندیشمندان انتقادی و ضد مدرن دچار تحول شد (۱۰).

برخی نظریه‌پردازان در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند، رفتارهای نوع‌دوستانه، ریشه در میزان درونی‌سازی هنجارهای تقابل، انصاف و مسؤولیت اجتماعی دارد. آلوین گولدرن (Alvin Goldner) تقابل را یک هنجار اجتماعی و یک قاعده جهانی می‌داند که می‌تواند برانگیزاننده نوع دوستی باشد. بر اساس این هنجار، باید محبت‌های دیگران را با محبت، باز پس دهیم. به تعبیر دیگر باید به کسانی که به ما کمک کرده‌اند کمک کنیم و اگر می‌خواهیم دیگران به ما کمک کنند، باید در حق آن‌ها محبت کنیم. هنجار انصاف، قاعده‌ای است که بر اساس آن باید در یک رابطه اجتماعی، برابر با آن چه هزینه کرده‌ایم منفعت کسب کنیم. در قالب این هنجار، به کسانی که برای جامعه زحمت کشیده‌اند، اما منفعت مناسب دریافت نکرده‌اند، کمک می‌کنیم و به کسانی که خودشان مسؤول گرفتاری خودشان هستند کمک نمی‌کنیم. بر مبنای این هنجار است که افراد به گدایان، معتادان و الکلی‌ها کمک نمی‌کنند، چراکه معتقدند آن‌ها خودشان مسؤول به وجود آمدن این مشکلات

مفهوم عمومی عدالت نیز در آن به طور مؤثر قانونمند شده باشد. این جامعه‌ای است که در آن: ۱. هر فرد می‌پذیرد و می‌داند که دیگران اصول یکسانی از عدالت را قبول دارند؛ ۲. نهادهای بنیادین اجتماعی نیز معمولاً در جهت مد نظر قرارداد این اصول عمل می‌کنند و با این عنوان شناخته شده‌اند (۱۳). راولز مبدأ مشروعیت و حقانیت اصول عدالت خویش را در منصفانه‌بودن شرایط گزینش و انتخاب اصول عدالت به وسیله افراد در وضعیت فرضی نخستین می‌داند، توافقی که در آن افراد در وضعی منصفانه صورت می‌دهند، اعتبار و عادلانه‌بودن آن اصول را تضمین می‌کند. از نگاه وی منصفانه‌بودن شرایط توافق و قرارداد افراد درباره اصول عدالت از آن رو است که افراد در وضع نخستین درباره امتیازات و شؤون و قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی خویش در غفلت و ناآگاهی کامل به سر می‌برند و همگی با شرایط مساوی به گزینش و انتخاب عقلانی اصول عدالت مورد نظر راولز از میان سایر اصول رقیب اقدام می‌کنند (۱۴).

۱-۱-۳. صداقت و درستکاری: صداقت و راستی از ویژگی‌های عالی اخلاق انسان است که در آموزه‌های اسلامی از زمینه‌های اساسی ارجمندی و نیک‌بختی انسان شناخته شده است. پیشوای صادقان و مولای متقیان، صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت معرفی کرده و از راستگویی به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی نام برده است (۱۶).

در مطالعات و پژوهش‌های متعدد در حوزه صداقت چهار جنبه رفتاری نمایان می‌شود (۱۷): جنبه اول صداقت به عنوان مفهوم تطبیق گفتار و اعمال جنبه مهمی از صداقت است که به رفتار اجتماعی توجه دارد؛ جنبه دوم صداقت به عنوان ثبات در ناملایمات، مطالعات نشان داده است که افراد دارای صداقت وقتی با ناملایمات یا وسوسه و چالش رو به رو می‌شوند، ثابت قدم می‌مانند، یعنی دارای ثبات رفتاری هستند؛ جنبه سوم صداقت به عنوان روراست‌بودن با خود مربوط به عمل کردن بر طبق آگاهی و شناخت خود فرد است؛ جنبه چهارم صداقت به

پیوند قطعی با عدالت قرار می‌گیرد و به تعبیری این دو «دو روی یک سکه هستند» (۱۰).

۱-۱-۲. عدالت و برابری: از نظر افلاطون (Plato) عدالت فضیلتی است که صفات دیگر را به وجود آورده و مادام که با آن‌ها توأم باشد وسیله ایقا و محافظت آن‌هاست و عدل عبارت است از تربیت سلسله مراتب اجزای نفس به نحوی که به حکم طبیعتشان بعضی تابع بعضی دیگر شوند. در مقابل ظلم این است که این سلسله مراتب اجزای نفس و این تابع و متبوعیت برخلاف حکم طبیعت باشد. از نظر او عدالت بخشی از فضیلت انسانی و در عین حال، رشته‌ای است که مردمان را در داخل دولت‌ها به هم پیوند می‌دهد. این موضوع، یعنی یکسان دانستن اثر عدالت در تربیت نفس بشر و در اجتماعی کردن او، اولین و اساسی‌ترین اصل در فلسفه سیاسی افلاطون محسوب می‌شود. در نهایت از نظر وی، زیربنای تشکیل دولت و اجتماع بر عدالت نهاده شده است (۱۲).

ارسطو (Aristotle) عدالت را به حد وسط تفسیر می‌کند. از نظر ارسطو سعادت خیر است، زیرا سعادت، غایت تمام اعمال انسان است و پس از اینکه «سعادت را، فعالیت نفس مطابق با فضیلت دانست» به بررسی ماهیت و فضیلت و انواع آن (خرد، شجاعت، رعایت اعتدال و عدالت) می‌پردازد و از میان این فضایل، فقط عدالت را به علت ارتباط با «غیر»، «خیر خارجی» می‌داند، زیرا عادل آنچه را برای دیگران مفید است، انجام می‌دهد. به این سبب است که عدالت به عنوان کامل‌ترین فضیلت، بلکه تمام فضیلت محسوب می‌شود و ضد آن بی‌عدالتی است که همه ردیلت است. در تفاوت عدالت با فضیلت او معتقد است که هرچند عدالت عین فضیلت است، اما ماهیت آن متفاوت می‌باشد، به این معنی که از لحاظ ارتباط با دیگران «عدالت» است و از لحاظ این که نوعی «ملکه محض» است «فضیلت» محسوب می‌شود (۱۲).

راولز (Rawls) معتقد است که یک جامعه وقتی به سامان است که نه تنها خیر اعضای جامعه را در نظر داشته باشد، بلکه

کند تا اینان در برابر آنچه که به این‌گونه عریان شده است، مسؤولیت خود را تماماً دریابند و بر عهده بگیرند» (۶).

۱-۴. تقوا و پاکی و مبارزه با نفس: تقوا و پاکی یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین صفات اخلاقی در جامعه است. تقوا لازمه زندگی هر فردی است که قصد دارد انسانیت داشته باشد و از عقل خود پیروی نماید. تقوا پیشگیری از انحراف از راه درست و خطا کردن و ترسیدن از عواقب اعمال خلاف و ترس از خدا است. تقوا از دید علامه مجلسی در لغت، تشدید در مراقبت است و در مفهوم عرفی صیانت از نفس است از آنچه به آن آسیب می‌رساند و محدود کردن آن در چیزهایی است که به حال آن سودمند است. تقوا سه مرتبه دارد؛ اول نگاه داشتن نفس از عذاب جاودانه با تصحیح عقاید و باورهای ایمانی؛ دوم کناره‌گیری و اجتناب از هر چیزی که انجام یا ترک آن سبب گناه می‌شود؛ سوم نگاه داشتن و مراقبت از هر چیزی که قلب انسان را به جز حق، مشغول کند و این درجه خواص، بلکه درجه برتر از خواص است (۲۰).

تقوا در نزد مطهری دو درجه دارد: ۱. تقوای قوی؛ ۲. تقوای ضعیف. در تقوای قوی، فرد به لحاظ درونی قدرتی در خود به وجود می‌آورد که در سایه آن مصونیت روحی و اخلاقی داشته باشد. مصونیتی که در مکان‌های آسیب‌زا او را حفظ کرده و مانع از آلودگی و گناه می‌شود. در تقوای ضعیف، فرد خودش را از مکان‌های معصیت دور نگه می‌دارد تا از افتادن در آلودگی و گناه پیشگیری نماید (۲۱). از زاویه دیگر تقوا به تقوای روحی، قلبی، مغزی و فکری و لفظی و زبانی تقسیم می‌شود. حقیقت تقوا، همان روحیه قوی است که انسان را از گناه و معاصی حفظ می‌کند، پس می‌توان گفت که تقوا، یعنی حفظ کردن خویش از چیزی که انسان از آن می‌ترسد. تقوا در واقع چیزی جز حرکت در راه راست نیست (۲۰، ۲۲).

شمالی و مؤمنی (۱۳۹۲ ش.) در پژوهش خود درباره مبانی و نظریه‌های اخلاقی پایه اسلامی و غربی به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس دیدگاه غربی چهار اصل اخلاقی، یعنی سودرسانی،

عنوان رفتار اخلاقی، بسیاری از نویسندگان صداقت را به مفهوم‌سازی کلی اصول اخلاقی از جنبه‌های مختلف مرتبط ساخته‌اند. همچنین در متون، صداقت، به عملکردی اشاره می‌کند که مطابق رفتار قابل قبول هستند. محققان و صاحب‌نظران بیان کرده‌اند که صداقت اخلاقی عمل بر طبق اصول اخلاقی به عنوان هدفی غایی است.

صداقت و درستکاری یکی از مؤلفه‌های اصلی در کنش متقابل اجتماعی است که منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی افراد در گروه‌ها و جامعه می‌گردد. کلمن (Coleman) با طرح سرمایه اجتماعی، معتقد است که سرمایه اجتماعی منبعی برای همکاری و روابط دوجانبه و توسعه اجتماعی است و عواملی همچون کمک به دیگران و نوع دوستی، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها با سرمایه اجتماعی در ارتباط هستند. پاتنام (Putnam) نیز ادعا می‌کند که ویژگی باز تولیدی سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی همراه با همکاری بسیار، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی منجر می‌شود. وی تأکید می‌کند که ضعف این ویژگی‌ها در برخی جوامع موجب تقویت عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود می‌شود. فوکویاما (Fukuyama) نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیر رسمی می‌داند که اعضای گروه و جامعه در آن سهیم هستند. او استدلال می‌کند که هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند، اساساً باید شامل ویژگی‌هایی مانند صداقت و ادای تعهد و ارتباطات دوجانبه باشد (۱۸).

از نظر ژان پل سارتر (Jean-Paul Sartre) سخن نویسنده و شاعر همان عمل او است، یعنی تطبیق گفتار و عمل که یکی از جنبه‌های مهم صداقت است. در دیدگاه او وظیفه نویسنده است که کاری کند تا هیچ کس نتواند از جهان بی‌اطلاع بماند و هیچ کس نتواند خود را از آن مبرا جلوه دهد (۱۹). وی در باب رسالت ادبیات می‌گوید: «نویسنده چنان طریقی بر می‌گزیند که جهان و بالاخص آدمی را، بر دیگر آدمیان آشکار

در جهان حضور دارد، چنانکه اگر نیک بنگریم، دست او را در همه افاق عمل و نظر در کار خواهیم دید.

آزادی از منظر هایک (Hayek) وضعیتی است که در آن هر کسی می‌تواند از دانشش برای رسیدن به اهدافش استفاده کند. آزادی برای آمارتیاسن آنقدر اهمیت دارد که توسعه را نیز به صورت فرآیند بسط آزادی‌های واقعی مردم تعریف می‌کند (۲۴).

مادام دواستال (Madame de Staël) تلاشش بر این بود که تأثیر دین و آداب و قوانین را بر ادبیات و بالعکس آن نشان دهد. وی اعتقاد داشت که ادبیات نه تنها یک هنر، بلکه یک سلاح است که برای شناخت به کار می‌رود. دواستال همچنین معتقد بود که ادبیات کلاسیک تماماً رمانتیک بود، زیرا انسان‌های عصر خود را برای همان عصر ترسیم کرد. وی تلفیقی از تحول علمی، اندیشه و نیروهای اجتماعی را مورد قبول داشت و ادبیات را انتقادی همیشگی و در عین حال فراخوانی به یک موضوع می‌دانست. مادام دو استال در رویکرد خود با نقد جامعه‌شناختی، به دنبال این بود که علل تاریخی و اخلاقی ادبیات را مورد بررسی قرار دهد. از طرف دیگر، وی معتقد بود که تغییر و تحول در مکان صورت می‌گیرد و اندیشه و ادبیات به قلمروهای گوناگونی تعلق دارند و این مفاهیم دقیقاً همان چیزی است که قرائت تاریخی زمانی و قرائت مکانی از متن ادبی نامیده می‌شود (۲۵).

در منظومه فکری استاد مطهری، آزادی معنوی مقدمه آزادی‌های اجتماعی است. تقوای «اراده‌محور» و نه شهوات «تمایل‌محور» اساس آزادی واقعی است. انسان در تفوق بر موانع مخل آزادی و فعلیت‌بخشی به استعدادهايش، به هدایت و دستگیری و انگیزش بیرونی نیاز دارد و این وظیفه رهبران الهی است (۲۶). مطهری آزادی انسان را نبود مانعی برای رشد او دانسته است. آزادی، یعنی جلوی راهش را نگیرند، پیش رویش مانع ایجاد نکنند. انسان‌های آزاد، انسان‌هایی هستند که با موانعی که در جلوی رشد و تکامل آن‌ها است، مبارزه

ضرر نرساندن، خودمختاری و عدالت را به دست آوردند که در تصمیم‌گیری‌های پزشکی، ملاک عمل قرار می‌گیرد. بر اساس دیدگاه اسلامی، هشت اصل اخلاقی توکل، تقوا، تکریم و کرامت بیمار، جلب منفعت، دفع ضرر محتمل، اختیار، عدالت و احسان، حاصل می‌شود که برخی از این اصول، تأثیرگذار در تصمیم‌گیری و برخی ملاک هرگونه اقدام پزشکی است. داشتن تقوا یکی از اصول اساسی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها حتی در حوزه پزشکی به شمار می‌رود (۲۳).

تقوا در زندگی انسان پیامدهایی مانند در امان ماندن از وسوسه‌های شیطان، سبب نجات از سختی‌ها و گشایش در کارها، درمان بیمارهای نفسانی، آزادی و عزت انسان، بصیرت و بینایی عقل، کرامت و تحصیل قرب بیشتر به خدا، بی‌اعتنایی به دنیا، رفع ذلت و خواری و فقر (۲۰) دارد که بدون تقوا، داشتن و به دست آوردن آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

۱-۱-۵. آزادی و آزادگی: هگل (Hegel) در مورد آزادی می‌گوید: «تاریخ جهان چیزی نیست مگر پیشرفت آگاهی از آزادی». نگرش‌ها در مورد آزادی بسیار زیاد است و هر متفکری با توجه به اهمیت و ضرورتی که برای حق فطری تفکیک‌ناپذیر بشر - آزادی - قائل است، آن را تعریف می‌کند، مثلاً لاک (Locke) برای تعریف آزادی از حق به عنوان ایجاد کننده آزادی شروع می‌کند، به نظر ایشان آزادی، یعنی رهایی از محدودیت و تجاوز دیگران و این رهایی در جایی که قانون نیست، نمی‌تواند وجود داشته باشد. آزادی آن نیست که هر کس هر کاری خواست انجام بدهد (۲۴).

برای کانت (Kant) آزادی یک ایده است که در قلمرو آزمون برای آن جایگاهی نیست، اگرچه انسان با اخلاقی زیستن است که آزاد است. از نظر کانت آزادی از یکسو یگانه حق ذاتی انسان است؛ نه دادنی است و نه گرفتنی، بلکه از لحظه تولد، با اوست و همه حقوق اساسی دیگر انسان در این معنا ریشه در آزادی او دارند. از سوی دیگر، آزادی برای کانت ایده‌ای است که به تمامی حاضر و واقع است، یعنی ابژکتیو، بالفعل و مؤثر

داودیان، ابراهیمی و باعقیده (۱۳۹۵ ش.) پژوهشی با عنوان «مضامین الخاقی در اشعار سیدمحمدحسین بهجت تبریزی» انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه فضایل اخلاقی در اشعار شاعر بیشتر مورد تأکید است، اما رذایل اخلاقی و سرزنش و نکوهش آن‌ها هم ذهن شاعر را به خود مشغول کرده است و در شعر او نمود می‌یابد (۱۵).

رزاق‌پور و دوستی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله‌ای به بررسی عناصر رمانتیک در اشعار شهریار پرداخته و بیان داشته‌اند که او همانند رمانتیک اروپایی اصالت را به انسان می‌دهد و تمامی ارزش‌ها را با انسان می‌سجد. فراق یار همیشه در غزلیات شهریار می‌جوشد، شرح عشق آتشین شهریار را در غزل‌های «حالا چرا»، «ناله ناکامی»، «ناله نومیدی»، «دستم به دامانت» و... می‌توان دید، اما با این حال اشعار کلاسیک او بیشتر و سنگین‌تر از اشعار رمانتیک اش است (۳۲).

شاه‌مرادی (۱۳۸۹ ش.) در بررسی جایگاه عرفان در شعر شهریار به این نتیجه رسیده است که شهریار، جهان را جلوه‌ای از جمال یار می‌داند و روح انسان را منشعب و مشتق از روح خدا می‌داند و همواره آرزومند بازگشت به آن مبدأ می‌باشد. رسیدن به حق و اتصال بنده با معبود نیازمند راهنمایی واسطه است که به آن، دلیل یا شیخ یا پیر می‌گویند (۳۳). بازتاب مبانی سیر و سلوک و عرفان در شعر شهریار تحقیق دیگری است که آریان (۱۳۸۸ ش.) انجام داده و به این نتیجه رسیده است که استاد شهریار گرایش‌های عرفانی ژرف و آگاهانه داشته و حتی شهریار معتقد است که شعر برای این که به کمال برسد، ابتدا باید به عرفان برسد تا جاودانه شود (۳۴).

با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان گفت که در خصوص اشعار شهریار مطالعات زیادی انجام شده است، اما درباره زیست اخلاقی و جایگاه آن در اشعار شهریار تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین از این حیث پژوهش حاضر جدید محسوب می‌شود. در مجموع با لحاظ کردن نظریه‌های اندیشمندان و نتایج تحقیقات محققان در خصوص مؤلفه‌های

می‌کنند. انسان‌هایی هستند که تن به وجود مانع نمی‌دهند (۲۷).

۱-۲. پیشینه تجربی تحقیق: آقاجانی بیژنی و طغیانی (۱۳۹۹ ش.) در مقاله‌ای ذیل عنوان «خوانشی پایداری از اشعار شهریار» به بررسی اشعار شهریار پرداخته و ذکر کرده‌اند که ادبیات پایداری همواره انسان را به اخلاق نیکو و راه راست برای رسیدن به رستگاری دعوت می‌کند و مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در اشعار شهریار دعوت به مبارزه و جهاد، ستایش آزادی و آزادگی، صبر و استقامت است (۲۸).

حسنی قره‌چال (۱۳۹۹ ش.) در مقاله‌ای مضامین مشترک در دیوان استاد شهریار و حضرت حافظ را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که شهریار شاعر شیرین سخن به پیروی از حضرت حافظ سعی کرده است که با تصرف در مضامین غزلیات خواجه، مضمون نزدیک به آن، به وجود بیاورد (۲۹).

امامی (۱۳۹۹ ش.) در تحقیقی با عنوان «شهریار، شاعر عصر غربت دیانت» به این نتیجه رسیده است که شهریار شاعر است معاصر و آشنا به دردها و رنج‌های انسان معاصر ایرانی و جهان. او راه نجات انسان و ایران و جهان را در رسیدن به خدا، از طریق معارف و راهنمایی‌های دین می‌داند (۳۰).

عقدایی و آریان (۱۳۹۴ ش.) در تحقیقی با عنوان «نگاهی به برخی آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی شهریار» نشان دادند که مهم‌ترین مضامین تربیتی مورد توجه او مبارزه با هوای نفس، پرهیز از دنیاپرستی، مهرورزی و ترک خصومت، شرم، شکیبایی، ادب، سخاوت، قناعت، ترک آزمندی، فروتنی و نوع‌دوستی بوده است (۸).

مینا (۱۳۹۴ ش.) در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های شعری شهریار پرداخته و ادعا کرده است که خصوصیتی که اشعار شهریار را ماندگار و پرجذبه کرده، انعکاس درد و غم جامعه در اشعار و هم‌نوایی متقابل و کاربرد کلمات عامیانه و اصطلاح‌های مردم کوچه و بازار و توجه به قرآن و اهل بیت و معارف دینی است (۳۱).



جهان پیدا نخواهی کرد. پس بیا خدعه و تزویر را کنار گذاشته و به یکدیگر عشق و محبت بورزیم. او چنین می‌سراید:

هیچ دیدی چه کارها کردی چه بلا بر سر من آوردی  
من جفا دیدم و وفا کردم تو وفا دیدی و جفا کردی  
به باوفایی من در جهان نخواهی یافت  
بیا که خوب بدانیم قدر یکدیگر  
ای دوست بیا رو به محبت به هم آریم  
کز خلق ندیدیم به جز خدعه و تزویر (۳۵)

شهریار ضمن اشاره به وفای به عهد به عنوان یک اصل اساسی در پایداری دوستی انسان‌ها، معتقد است که برای تداوم دوستی شرط محبت‌کردن دوطرفه لازم و ضروری بوده و ایثار و فداکاری در راه دوستی را برای حفظ دوستی‌ها بااهمیت قلمداد می‌کند. در ابیات دیگر شهریار از دوستی‌های زمانه ناله سر داده و به بخت بد خود در پیدا کردن دوست وفادار اعتراض کرده و گفته است که اگر کسی را برای دوستی راستین پیدا کردی، سلام من را به او برسان که امیدی برای پیدا کردن آن وجود ندارد.

مهر و وفا فسانه چو عنقا است شهریار  
فارغ تویی که عزلت عنقا گرفته‌ای  
کوی میخانه ما آب و هوایی دارد  
که در او عشق و وفا نشو و نمایی دارد  
این رفیقان ریایی همه قدند و قبا  
دل در او بند که عهدی و وفایی دارد  
به تیره‌بختی خود کس نه دیدم و نه شنیدم  
ز بخت تیره خدایا چه دیدم و چه کشیدم  
برای گفتن با دوست شکوه‌ها به دلم بود  
ولی دریغ که در روزگار دوست ندیدم  
وگر نگاه امیدی به سوی هیچ کس نیست  
چراکه تیر ندامت بدوخت چشم امیدم  
رفیق اگر تو رسیدی سلام ما برسانی  
که من به اهل وفا و مروتی نرسیدم  
منی که شاخه و برگم نصیب برق بلا بود  
به کشتزار طبیعت ندانم از چه دمیدم

زیست اخلاقی، هدف از تدوین مقاله حاضر، مشخص نمودن جایگاه و وضعیت زیست اخلاقی در دیوان اشعار فارسی شهریار است که نشان از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی عصری است که شاعر در آن زیسته است.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در انجام این پژوهش، تا جایی که امکان داشت، محقق در جهت اخلاق علمی قدم برداشته و در کلیه ارجاعات و مستندسازی‌ها اخلاق علمی و شرط امانتداری، درستکاری و صداقت را رعایت کرده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این مطالعه تحلیلی - توصیفی به صورت هدفمند با استفاده از روش اسنادی، منابع و آثار اندیشمندان و متفکران اجتماعی دوره‌های مختلف در خصوص مؤلفه‌های زیست اخلاقی و همچنین دیوان اشعار فارسی شهریار شاعر اخلاق‌مدار را بررسی کرده است. روش مطالعه به این صورت است که ابتدا مؤلفه‌های زیست اخلاقی در جامعه در اندیشه‌ها و آرای متفکران اجتماعی آورده شده و در مرحله بعد اشعار مرتبط با آن از دیوان اشعار فارسی شهریار گزینش شده است تا جایگاه مؤلفه‌های زیست اخلاقی مد نظر اندیشمندان در دیوان اشعار فارسی شهریار مشخص شود.

## ۴. یافته‌ها

۴-۱. دوستی و وفاداری: یکی از ویژگی‌های عمده و مهم اشعار شهریار تأکید بر وفاداری، دوستی و عشق است. شهریار از دوستی‌های ناپایدار زمانه می‌نالده، ولی با وجود جفا در دوستی‌های ناپایدار، همچنان به این‌گونه دوستی‌ها وفادار مانده است. او در ادامه دوستان را دعوت به قدرشناسی یکدیگر کرده و اشاره کرده است که وفادارتر از من برای دوستی در

شاخ درختی که درختی جداست  
مر که تنی کشت نه شاخی فکند  
بلکه درخت بشر از بیخ، کند (۳۵)

**۴-۲. عدالت و برابری:** دعوت به عدالت و دوری از ظلم و ستم یکی دیگر از ویژگی‌های ذاتی شعر استاد شهریار است. عدالت وصف پسندیده‌ای است که به رابطه انسان و اجتماع و سایر انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند. این که قدرتمندان بقیه انسان‌ها و زیردستان خود را مراعات کنند، شهریار معتقد است که با وجود این همه جور و ظلم و ضایع شدن حق در جهان، نمی‌توان گفت که قانون به عدل و انصاف قضاوت کرده است. او معتقد است تا زمانی که انسان از شیطان پیروی کند و خواسته‌های شیطانی خود را کنار نگذارد، رسیدن به عدل دشوار خواهد بود. بنابراین با اتحاد و همبستگی افراد، می‌توان سخن از عدل و داد زد. همچنین شهریار سعادت و پیروزی را همواره در گرو عدالت می‌داند (۱۵).

اگر قضاوت قانون به عدل و انصاف است  
چرا جهان همه ظلم است و جور و احجاف است  
جهان قلمرو ابلیس و بند قانون نیز  
به دست باقی این قاضی دو سر قاف است  
اگر روزی به قدر عقل بودی  
تمام عاقلان بودند قارون  
ولیکن رزق در میزان عدل است  
نه عاقل در شمار آرد نه مجنون  
دستی به اتحاد برآید و عدل و داد  
با دست اتحاد توان داد عدل داد  
بنیاد هر بنا به دو دست موازنه است  
یک خشت بی موازنه بر پا نایستاد  
تا دست اتفاق خلاق بهم ندید  
خورشید فتح روی سعادت نشان نداد  
هزار خرمن عصیان چه جای عفو کریم  
که بر ترازوی عدالت جوی نکرد نمود  
گفتم چه خوش بود علم ماه و آفتاب  
گفتا که جز به عدل به عالم علم مزن

یکی شکسته نوازی کن ای نسیم عنایت  
که در هوای تو لرزنده‌تر ز شاخه بیدم  
ز آب دیده چنان آتشم کشید زبانه  
که خاک غم به سرافشان چو گرد باد دویدم  
گناه اگر رخ مردم سیه کند من مسکین  
به شهر روسپهان شهریار روی سپیدم (۳۵)

در نگاه اخلاق مدارانه شهریار، دعوت به دوست‌داشتن یکدیگر در جامعه در اشعار متعدد سفارش شده است تا جایی که شرط اخوت و برادری را در غمخواری انسان‌ها نسبت به همدیگر می‌داند تا ستمکاری در حق دیگران. اگر در حق دیگر انسان‌ها جفا و ستم روا بدارید، نهایتاً در روز قیامت به جهنم ابدی واصل خواهید شد. بر همین اساس، خود را دیگری انگاشتن و دیگری را خودانگاشتن، گزندنرساندن به دیگران، دوری از تزویر و درد بشر دیدن و دارو و درمان‌شدن را شرط انسانیت و انسان‌دوستی می‌داند.

به عالم جز محبت نیست چیزی  
گر این هم نیست گو عامل نباشد  
مگر تأسفی از رفتگان نخواهی داشت  
بیا که صحبت یاران غنیمت است ای دوست  
عزیز بدار محبت که خار زار جهان گرش  
گلی است همانا محبت است ای دوست

ای بشر نوع خویش را دوست بدار همه را وصله تنت انگار  
ورنه در روز حشر این زندان خواهد شد جحیم جاویدان  
شرط اخوت نه ستمکاری است حق برادر همه غمخواری است  
شرط بود با همه یگروشدن درد بشر دیدن و دارو شدن  
رسم خودی با همگان داشتن خود همگان را خودی انگاشتن  
خود که گزندبست نیاید پسند با دگران هم نپسندی گزند

آدمیان شاخه و برگ همد  
کاین همه، از یک تنه آدمند  
اصل درختی است کهن کز بهشت  
کند خداوند و در این دشت، کشت  
خلق همه، شاخ درخت خداست

باده در جام عدل اگر ریزند  
کی حریفان بلا برانگیزند

تو باری عدل کن نوشیروان خانه خود باش  
که گر با زبردستان سر ظلم است ضحاک  
گفتم چه خوش بود علم ماه و آفتاب  
گفتا که جز به عدل به عالم، علم مزین  
هر شاخه‌ای که باز ستم داد بشکنش  
گو ساقی ستمگری از ریشه کنده باد

خوشا انصاف کز صافی‌ترین اوصاف انسان است  
ترازویی که هر کمیتی با وی به میزان است  
گرت توفیق این نعمت بود شکر خدا می‌کن  
پیمبر گفت انصافی که داری نصف ایمان است (۳۵)

همانند راولز، شه‌ریار انصاف را یکی از خالص‌ترین ویژگی‌های انسانیت مطرح کرده که می‌توان با آن هر چیزی را در جایگاه خود قرار داد. اگر این توفیق برای انسان حاصل آید، باید شکر نعمت خدا را به جای آورد که پیامبر اسلام (ص) فرموده که انصاف نصف ایمان است. شه‌ریار برای اجرای عدالت و انصاف در جامعه توصیه کرده است که هر کسی که ستمکار است و بر دیگران ظلم می‌کند با او مبارزه کرده و ریشه او را از زمین کنده و نابود کنید

**۴-۳. صداقت و درستکاری:** انسان صادق و راست کردار در نگاه شه‌ریار، سرور آزادگان است. بنابراین انتظار بر این است که راستی و صداقت را در جامعه نشر داده و برای این کار لازم است که سیرت و صورت یکی باشد و از پنهان کردن چهره واقعی در پشت نقاب خودداری کنید. دین خدا دین هدایت به سمت راه راست و صداقت و درستکاری است.

شه‌ریار خروج از دین را خروج از راه راست دانسته و متذکر شده است که در میان ادیان آسمانی مانند دین موسی (ع)، عیسی (ع) و محمد (ص) راه یکی، رهبر یکی و مقصد نیز یکی

است. انسان سالک در راه خدا می‌داند که دین موسی (ع)، دین عیسی (ع) و دین محمد (ص) به یک شاهراه منتهی می‌شوند و آن رسیدن به رستگاری و قرب الهی است. پس از دین حق پیروی کرده و راهی جز راه راست انتخاب مکن که در غیر این صورت گمراهی در انتظارت خواهد بود.

همنشین سرو نار و سرور آزادگانی  
جز نهال راستی در باغ دل بنشانندی نیست  
سیرت و صورت یکی کن این نه شرط آدمی است  
چهره پنهان داشتن در پرده‌ی چندین نقاب  
دین خداست نیست به جز راه راست  
راه که کج شد نه به سوی خداست  
راه یکی رهبر و مقصد یکی است  
موسی و عیسی و محمد یکی است  
این سه ره ای سالک کوی اله  
منتهی آید به یکی شاهراه  
حرف حق این است بی‌لاج مکن  
راه خود و خلق خدا کج مکن  
راه خطا رفتی و دیدی خطاست  
کج مره ای گمشده برگرد راست (۳۵)

**۴-۴. تقوا و پاکی:** تقوا و پاکی و مبارزه با نفس یکی از ویژگی‌های اخلاقی اشعار شه‌ریار محسوب می‌شود. همانند دیگر صاحب‌نظران، شه‌ریار معتقد است که اگر رشته میثاق با خداوند را با اعمال و کردار و گفتار محکم نگردد، تقوا شکننده خواهد بود. این نوع از تقوا را شه‌ریار باریک‌تر از مو می‌داند و ادعا می‌کند که نفس انسان در وصال خداوندی و رسیدن به بهشت برین حجاب است و تا این حجاب و پرده کنار زده نشود و از خندق‌ها و موانع دنیوی عبور نشود، دیدار و ملاقات دوست امکان‌پذیر نخواهد بود، پس شرط اصلی هدایت و رسیدن به مراتب وصال داشتن تقوا، پاکی و مبارزه با نفس و هواهای نفسانی و زیست اخلاق‌مند در دنیاست.

این مرحله از ایمان رسید، دیگر در دنیا و آخرت مشکلی نخواهد داشت. یک لحظه خوشگذرانی و آرزوی عشرت فانی در اقلیم خودپرستی انسان را از اقلیم جاودان و قرب الهی دور می‌سازد. بنابراین مشقت، سختی و مصائب در راه خداپرستی درجات قرب الهی را بالاتر می‌کند.

با عبادت می‌توان هر مشکلی را کردن آسان  
گر بدین درمان رسیدی مشکلی در ماندنی نیست  
تا چشم دل به طلعت آن ماه منظر است  
طالع مگو که چشمه خورشید خاورست  
کافر نه ایم و بر سرمان شور عاشقی است  
آن را که شور عشق به سر نیست کافر است  
بر سر در عمارت مشروطه یادگار  
نقش به خون نشسته عدل مظفر است  
ما آرزوی عشرت فانی نمی‌کنیم  
ما را سیر دولت باقی مسخر است  
راه خداپرستی ازین دلشکستگی است  
اقلیم خودپرستی از آن راه دیگر است (۳۵)

**۴-۵. آزادی و آزادگی:** شهیار، شاعر برجسته دوران معاصر بسان دیگر اندیشمندان معروف دنیا و همسو با منظومه فکری مطهری معتقد است که حریت و آزادگی در وجود انسان و اولیای خدا امانتی الهی است که خدا آن را به عنوان نشان و مدال افتخار به سینه مردان آزاده می‌زند. شهیار ادعا می‌کند که اگر کار انسان مدام پیروی از مردم آزاده باشد، صاحب صفت آزادگی شده و این صفت او را در صف پیشروان و مقتدایان و بزرگان قرار می‌دهد. با این وجود، دنیا هم چیزی جز قفس نیست و هر کس در قفس دنیا بیشتر زندگی کند فرسوده‌تر می‌گردد. انسان آزاده از این دنیای تنگ پا به فرار می‌گذارد، زیرا تنگنای جهان جای فشارها و سختی است. شهیار در بیت بعدی می‌گوید جان انسان مانند مرغی است که آشیانش بلندی‌ها، آسمان و ملکوت خداست و چنین مرغی با قفس خاکبان و زمینیان نمی‌تواند انس و الفت بگیرد. در

قصه باریک‌تر از موست که تقوای خداست  
دای اگر رشته میثاق، موثق نکنیم  
خندق نفس حجاب است و به جنت نرسیم  
تا جهش از سر این ورطه خندق نکنیم (۳۵)

انسان‌هایی که حرص و طمع دنیا بر آن‌ها چیره شده است، راه رستگاری و نجات برای آن‌ها سخت است. رستگاری و سعادت در کشتن حرص دنیاست، چون بازگشت همگان در نهایت به سوی اوست. بنابراین چنگ‌اندختن به دنیا و چسبیدن به آن انسان را در رسیدن به سعادت ابدی محروم می‌سازد. زندان پست دنیا جای انسان نبوده و همه مسافر هستند. دنیاپرستی و آخرت‌پرستی به صورت هم‌زمان امکان‌پذیر نیست. کسانی که دنیاپرست هستند، از تقوا و پاکی محرومند و کسانی که آخرت‌پرست هستند، دنیا از چشم آن‌ها خیلی پست و جای تنگ و تاریکی است. بنابراین مرغ شبخیز باش و ترانه یا رب سر کن که در صبح صادق اجرت را بتوانی به دست بیاوری.

حرص دنیا همه را کشت و درون‌ها دانا است  
که سعادت همه در کشتن حرص دنیاست  
برو حاجت که داری از خدا خواه  
که مطلب زیر یک کاف است و یک نون  
بپر ای روح علوی سوی بالا  
که این زندان پستی جای من نیست  
بهل دنیا که گر بایست مردن  
چه غم گر خود به تن ما را کفن نیست  
اگر دنیا و دین یک جا توان یافت  
بگو تا سر کنم من زیر هر سنگ  
ولیکن این دو با هم جمع، هیهات  
که دین تا چشم شد دنیا شود تنگ

مرغ شبخیز باش و نوشین لب خیز و سر کن ترانه یا رب  
خواب، بس کن که شبروان عرب صبح یابند مزد زحمت شب (۳۵)

در اهمیت عبادت و بندگی همین بس که شهیار می‌فرماید با عبادت هر مشکلی را می‌توان به آسانی حل کرد. انسان اگر به

نهایت شهریار در بیت بعدی اشاره می‌کند که اگر قادر نیستی با مردی و مردانگی غمی را از دلی دور و دلی را از غم آزاد کنی حداقل دل‌ها را آزار مرسان.

حریت از ودایع انسان اولی است  
اول نشان به سینه مردان حر زند  
در صف پیشروان می‌کشد آزادگیت  
گر همه پیروی از مردم آزاده کنی  
تازه جهان هم قفسی بیش نیست  
پیر شود هر که در او بیش زیست  
پا به فرار است از این تنگ جای  
جای بفشار است در این تنگنای  
جان تو مرغی است بلند آشیان  
خو نکند با قفس خاکیان  
گر به مردی نشد از غم دلی آزاد کنی  
هم به مردی که گناه است دلی آزرده

سر برآید حریفان که سبویی بزنیم  
خواب را رخت بیچیم و به سویی بزنیم  
باز در خم فلک باده وحدت سافی است  
سر برآید حریفان که سبویی بزنیم  
ماهتابست و سکوت و ابدیت یا نیز  
سر سپاریم به مرغ حق و هوئی بزنیم  
خرقه از پیر فلک دارم و کشکول از ماه  
تا به درپوزه شبی پرسه به کویی بزنیم  
چند بر سینه‌زدن سنگ محبت باری  
سر به سکوی در آینه رویی بزنیم  
آری این نعره مستانه که امشب ما راست  
به سر کوی بت عربده جویی بزنیم  
خیمه زد ابر بهاران به سر سبزه که باز  
خیمه چون سرو روان بر لب جویی بزنیم  
شهریارا سر آزاده نه سرباز تن است  
چه ضرورت که دم از سر مگوئی بزنیم (۳۵)

## ۵. بحث

مؤلفه‌هایی از زیست اخلاقی که برای جهان امروز واجب و ضروری است تا بتوان از فروپاشی انسانیت و جوامع انسانی

پیشگیری کرد، دوستی واقعی و وفاداری به آن، عدالت و برابری، صداقت و درستکاری، تقوا، پاکی و مبارزه با نفس و آزادی و آزادگی است. از دید اندیشمندان و همچنین از نگاه شاعر اخلاق مدار شهریار شرایط رسیدن به زیست اخلاقی در جامعه امروزی همین صفات و فضیلت‌هاست.

دوستی و وفاداری یکی از مهم‌ترین معیارها برای اخلاقی زیستن است. شهریار با زبان شعری خود با اشاره به جامعه آن زمان هم نگرانی خود را از کم‌رنگ‌شدن و ناپایداری‌ها دوستی‌ها اعلام می‌کند و هم امیدوار است که دوستی‌های راستین شکل بگیرد تا روحیه ایثار و فداکاری، محبت‌کردن به هم نوع خود و وفای به عهد همچنان در جامعه در ردیف ارزش‌های اخلاقی پرطرفدار محسوب شود. شهریار با آگاهی از وضعیت زمانه خود شرط انسانیت و انسان دوستی را ۱- خود را دیگری انگاشتن و دیگری را خودانگاشتن؛ ۲- گزندن‌رساندن به دیگران؛ ۳- دوری از تزویر؛ ۴- درد بشر دیدن و داروشدن را می‌داند. نتایج تحقیق عقدایی و آریان (۱۳۹۴ ش.) نیز در همین راستا بوده و نشان‌دهنده توجه بیشتر شهریار به مضامین تربیتی مانند مبارزه با هوای نفس، پرهیز از دنیاپرستی، مهرورزی و ترک خصومت، شرم، ترک آزمندی، فروتنی و نوع‌دوستی است. بنابراین می‌توان گفت که فضیلت و دوستی مد نظر ارسطو، ژاک دریدا، هابرماس، بیکن، در جای جای دیوان اشعار فارسی شهریار نمود داشته است. از نظر ارسطو دوستی فضیلتی است که بدون آن نمی‌توان به عدالت کامل دست یافت. ژاک دریدا دوستی را در ارتباط با آزادی و مسؤولیت می‌داند. هابرماس دوستی را عامل همبستگی معرفی کرده و معتقد است که کنش ارتباطی در شرایط برابر منجر به رشد مفاهمه شده و به خیر عمومی منتهی می‌شود. برخلاف ارسطو، دریدا و هابرماس، فرانسیس بیکن فیلسوف معروف اذعان دارد که در عصر مدرن دوستی به عنوان مؤلفه اصلی زیست اخلاقی در راستای منافع شخصی بوده و از ثمرات آن برای جامعه انسانی کاسته شده است. بیش از هر چیزی

است و خروج از دین را خروج از راه راست و صداقت دانسته است.

دوستی، عدالت و صداقت در ایجاد و تقویت تقوا، پاکی و مبارزه با نفس تأثیر شگرفی دارد. در همین زمینه علامه مجلسی تقوا را در لغت تشدید در مراقبت می‌داند و در مفهوم عرفی صیانت از نفس معرفی کرده از آن چیزی که بدان آسیب می‌رساند و محدود کردن آن در چیزهایی است که به حال آن سودمند است. تقوا در نزد مطهری دو درجه دارد: ۱- تقوای قوی؛ ۲- تقوای ضعیف. در تقوای قوی، فرد به لحاظ درونی قدرتی در خود به وجود می‌آورد که در سایه آن مصونیت روحی و اخلاقی داشته باشد. مصونیتی که در مکان‌های آسیب‌زا او را حفظ کرده و مانع از آلودگی و گناه می‌شود. در تقوای ضعیف، فرد خودش را از مکان‌های معصیت دور نگه می‌دارد تا از افتادن در آلودگی و گناه پیشگیری نماید (۲۱). شهریار مانند مطهری اظهار کرده که تقوای قوی رشته میثاق با خداوند را تقویت و محکم می‌سازد. پس شرط اصلی هدایت و رسیدن به مراتب وصال داشتن تقوا، پاکی و مبارزه با نفس و هواهای نفسانی و زیست اخلاق مند در دنیاست. دنیاپرستی افت تقوا است و مانع سعادت انسان می‌گردد. درگیر مصائب شدن در راه خدا و دین منجر به بالارفتن درجات قرب الهی در انسان می‌شود. چیزی که طبق نتایج تحقیق مینا (۱۳۹۴ ش.) و شاه مرادی (۱۳۸۹ ش.) در اشعار شهریار جزء مضامین اصلی است. بنابراین توجه شهریار به قرآن، اهل بیت و معارف دینی، جهان را جلوه‌ای از جمال یار و روح انسان را منشعب و مشتق از روح خدا دانستن برای بازگشت به آن مبدأ و قرب الهی می‌باشد.

مؤلفه‌های مطروحه در بالا زمینه را برای آزادزیستن و آزادگی فراهم می‌سازد. در همین راستا، هگل تاریخ جهان را تاریخ آزادگی می‌داند. در نزد لاک آزادی رهایی از محدودیت و تجاوز دیگران است. منتسکیو قدرت را مهم‌ترین تهدید برای آزادی می‌داند. کانت اخلاقی زیستن انسان را مترادف با آزادی می‌داند. برای آمارتیاسن آزادی همان توسعه و تکامل است. مطهری نیز

عرصه برای بازگشت دوستی در معنای ارسطویی آن تنگ‌تر می‌شد.

دوستی و عدالت مکمل یکدیگرند. از نظر افلاطون عدالت بخشی از فضیلت انسانی است که تاروپود جامعه و نهادهای آن را تشکیل می‌دهد. عدالت خصلتی است که در آن واحد هم انسان را به خوبی می‌سازد و هم اجتماع را ایجاد می‌کند. در نظر ارسطو عدالت به عنوان کامل‌ترین فضیلت، بلکه تمام فضیلت محسوب می‌شود و ضد آن بی‌عدالتی است که همه رذیلت است. راولز عدالت را مفهومی مرکب از سه جزء آزادی، برابری و پاداش برای فعالیت‌های عام‌المنفعه دانسته و مبدأ مشروعیت و حقانیت اصول عدالت راولز در منصفانه‌بودن شرایط گزینش و انتخاب به وسیله افراد است. همچنین عدالت و برابری در نزد شهریار یکی از اوصاف پسندیده انسان در جامعه است. او توصیه می‌کند که افراد قدرتمند باید با زیردستانشان با ملایمت و عدالت رفتار نموده و اوضاع آن‌ها را در نظر بگیرند. او اتحاد و همبستگی را شرط عدالت دانسته و شرط سعادت و پیروزی همانند ارسطو را در گرو عدالت می‌داند. همچنین همانند راولز، شهریار انصاف را یکی از خالص‌ترین ویژگی انسانیت مطرح کرده و معتقد است برای جاری شدن عدالت در جامعه باید با انسان‌های ستمکار و شرور مبارزه کرد.

دوستی و عدالت بدون راستگویی و صداقت معنی نخواهد داشت. مهم‌ترین مؤلفه صداقت و درستکاری، تطبیق گفتار با کردار است. کلمن، پاتنام و فوکویاما صداقت و درستکاری را یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی مطرح کرده‌اند که موجب تقویت و بازتولید سرمایه اجتماعی برای زیست اخلاقمند در جامعه می‌شود. همچنین سارتر معتقد است که تطبیق سخن نویسنده و شاعر با عمل و رفتار او یکی از جنبه‌های مهم صداقت را تشکیل می‌دهد. شهریار با آگاهی از این رسالت شاعر از انسان صادق دفاع کرده و او را سرور آزادگان معرفی و اظهار کرده است که انسان راستین، باید سیرت و صورتش یکی باشد و دین خدا دین هدایت به سوی راه راست، صداقت و درستکاری

زیستن اخلاقی فراهم می‌سازد. جهان سنتی دارای ارزش‌های اخلاقی یکدست و منسجم بود و هویت و شخصیت افراد نیز به تبع آن یکپارچه و متحد و پایدار بود و به خاطر همین ویژگی اخلاق‌مندی و زیست‌اخلاقی در جامعه سنتی راحت بود، اما در جهان مدرن ارزش‌های اخلاقی پراکنده، متنوع، متفاوت و متناقض هستند، این متفاوت‌بودن باعث شده که زیستن اخلاقی در جامعه مدرن سخت و دشوار باشد. به قول زیمل (Simmel) جهان سنت عمدتاً طرفدار انسان واقعی است و جهان مدرن بیشتر برای انسان بیگانه مناسب است. انسان واقعی (مورد تأکید شه‌ریار) انسان اخلاق‌مدار، عدالت‌مدار، متعهد، متقی، درستکار و امانت‌دار قابل اعتماد است، در مقابل انسان بیگانه انسانی که فقط به فکر منافع خود بوده و چاپلوسی، نقض اخلاقیات، غیر قابل اعتمادبودن از جمله صفات بارز آن‌هاست. این پارادوکس‌ها در اندیشه‌های متفکران و همچنین در میان اشعار شه‌ریار نمود بارز یافته و نگرانی‌های عمیق شه‌ریار را به وضوح در ابیات متعدد در خصوص زیست اخلاق‌مند در جامعه معاصر شاعر و جامعه حاضر می‌توان دید. در نهایت شه‌ریار تقویت زیست اخلاقی در جامعه معاصر را طبق تحقیقات استنادی در بالا جز از راه معنویت و دینداری انسان‌ها و حفظ اصالت انسانی و انسانیت میسور نمی‌داند.

همانند دیگر اندیشمندان آزادی را در نبود مانع برای رشد دانسته و معتقد است که انسان‌ها با تقوای اراده‌محور می‌توانند موانع آزادی را از میان بردارند. شه‌ریار ضمن دفاع از آزادی و آزادگی در دنیا، این جهان را به قفس تشبیه کرده است که انسان آزاد در تلاش است که از آن رهایی یابد و آشیانه واقعی‌اش که ملکوت خداست برسد. آقاچانی بیژنی و طغیانی (۱۳۹۹ ش.) نیز در پژوهش خود به این امر اشاره کرده‌اند که ستایش آزادی و آزادگی مهم‌ترین ویژگی ادبیات پایداری در اشعار شه‌ریار است. او از شرارت و ظلم در حق دیگران اعلام بی‌زاری کرده و به انسان‌ها توصیه می‌کند که به هم‌نوع خود در راه رسیدن به آزادی و آزادگی کمک نمایند. نتیجه تحقیق داودیان، ابراهیمی و با عقیده (۱۳۹۵ ش.) نیز به این امر تأکید کرده است که شه‌ریار علاوه بر توجه به فضایل اخلاقی در نکوهش رذایل اخلاقی اشعار زیادی سروده است. امامی (۱۳۹۹ ش.) نیز ذکر کرده است که شه‌ریار شاعری است آشنا به دردها و رنج‌های انسان معاصر ایرانی و جهان. او راه نجات انسان و ایران و جهان را در رسیدن به خدا، از طریق معارف و راهنمایی‌های دین می‌داند.

## ۶. نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های اصلی و اساسی زیست اخلاقی مد نظر اندیشمندان که در نمودار ۱ منعکس شده است، در دیوان اشعار فارسی شه‌ریار از جایگاه ممتاز و برجسته برخوردار بوده و شاعر شیرین سخن نیز دردمند است که مؤلفه‌های زیست اخلاقی در جامعه به تدریج رو به افول و تضعیف است. از دید اندیشمندان و اشعار شه‌ریار مؤلفه‌های زیست اخلاقی در پیوند با یکدیگر معنی پیدا کرده و جدا در نظر گرفتن آن‌ها منجر به تضعیف زیست اخلاقی در جامعه می‌شود.

در مجموع شواهد و مدارک به دست‌آمده نشان می‌دهد که شه‌ریار جهان عصر حاضر را جهان تناقضات اخلاقی می‌داند، بسیاری از این تناقضات زمینه را برای انواع چالش‌ها در حوزه

پیش پای همه افتاده کلید مقصود  
چیست دانی دل افتاده به دست آوردن  
بار ما شیشه تقوا و سفر دور و دراز  
گر سلامت بتوان بار به منزل بردن  
از دبستان جهان درس محبت آموز  
امتحان است بترس از خطر و اخوردن  
شه‌ریار به نصیحت دل یاران دریاب  
دست بشکسته مگر نیست وبال گردن (۳۵)

یکی از محدودیت‌های اصلی تحقیق حاضر سختی انتخاب شعرهای مرتبط با زیست اخلاقی بود، چون دیوان اشعار فارسی شهریار پر از شعرهایی با مضامین زیست اخلاقی است.

#### ۷. تقدیر و تشکر

از کلیه کسانی که در به سرانجام رسیدن مقاله حاضر کمک کرده‌اند، به ویژه از داوران محترمی که با نظرات ارزشمند خود بر غنای مقاله افزودند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

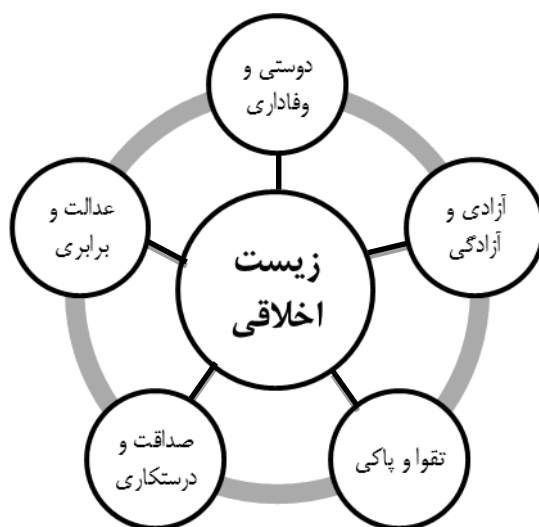
#### ۸. سهم نویسندگان

مسئولیت و سهم کامل نگارش مقاله برای نویسنده آن است.

#### ۹. تضاد منافع

در این مقاله، تضاد منافی وجود ندارد.





نمودار ۱: مؤلفه‌های زیست اخلاقی و بر همکنش آن‌ها

## References

1. Dabiri A, Mir Jalili K. The Nature of Moral Theory; A Commentary on a Good Moral Theory. *J of Ethics* 2019; 11(41): 7-20.
2. Razmjoo H. Ancient Poetry on the Scale of Critique of Islamic Ethics. Mashhad: Astan Qods Publications; 1990. [Persian]
3. Khanlou N, Javid Mehr M. Ethical Values in Shahriar Divan. *Studies in Literary Mysticism and Philosophy* 2018; 3(1): 63-82.
4. Motahari M. *Philosophy of Ethics*. Tehran: Panzdahe Khordad Publications; 1984. p.232. [Persian]
5. Movahedi Asl Y. Explaining the Relationship between Wisdom and Religion from the Point of View of Kierkegaard. *Journal of Research Culture* 2013; 14 and 15: 155-190.
6. Pour Jafari F, Shahabi H. A Poetry of Today's People: An Analysis of the Crystallization of Educational Thoughts and Literary Commitment in Sohrab Sepehri's Poetry. *J of Educ Res and Enrichment of Persian Language and Literature* 2012; 4(12): 138-152.
7. Rasouli H. Commitment Criterion in Literature. *J of Hum Research* 2005; 45-46: 82-73.
8. Oghdaie T, Aryan H. A Look at some of Shahriar's Educational-Ethical Teachings. *J of Educ Literature* 2015; 7(28): 89-112.
9. Tahmasebi F, Mohammadi SH. The Perspective of the Islamic Revolution in Shahriar Tabrizian Poetry: Reflecting Transformational Themes in the Poems of Master Shahriar. *J of Shahriar Pajoohi* 2017; 3(12): 482-516.
10. Alavipour M, Bahrani M. Classical Friendship and Contemporary Solidarity. *J of Polit and International Approaches* 2011; 4(25): 137-162.
11. Ahmadi C. Investigation of Altruism in Everyday Social Relations and its Influencing Factors. *Iranian J of Sociology* 2009; 10(2): 87-108.
12. Mohammadi M. Plato's, Aristotle's and Rawls's Viewpoints on Justice. *J of Daneshjahan* 2006; 4(8): 103-111.
13. Rawls J. Theory of Justice. Translated by Asadpour Tehrani AR, Annabadi H. *J of Fundamental Rights* 2006; 4(6-7): 223-266. [Persian]
14. Vaezi A. Critique of Theories of Justice. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2009. [Persian]
15. Davoudian M, Ebrahimi GH, Ba Aghideh H. Topics in the Poems of Seyyed Mohammad Hossein Behjat Tabrizi. Tehran: International Congress of Islamic Sciences and Humanities; 2016.
16. Zeinuddin M, Farahi A, Soltani M. The Mechanisms of Executing Organizational Integrity in the Islamic Revolutionary Guard Corps from the Perspective of the Islamic Revolution. *J of Islam and Management* 2018; 6(11): 5-29.
17. Alizadeh Sani M, Madooshi M, Mohebbi L. The Relationship between Behavioral Honesty and Leadership Effectiveness in Organizations. *J of Ethics in Science and Technology* 2014; 9(2): 1-9.
18. Afrasiabi H, Mohammadi I. Social Factors Related to Altruism Among Teachers of Yazd and Nurabad Cities. *Social Welfare Quarterly* 2014; 14(52): 115-134.
19. Hejazi B, Karimi A. A Kind of Mystical Nostalgia in Masnavi's "Swamps and Waters". *Mystical Literature and Mythological Quarterly* 2011; 7(22): 74-90.
20. Mesbah M. The Worldly Works of Taqva. *Two Special Journals of Religious Studies* 1979; 2(3): 75-87.
21. Motahari M. Ten Speeches. Tehran: Sadra Publications; 1993.
22. Rezaei M. Taqva. Tehran: Soroush Hedayat; 2008.
23. Shomali M, Momeni Q. A Review of Basic Ethical Theories and Medical Ethics. *J of Isfahan Medical Faculty* 2013; 31(285): 1756-1768.
24. Karimi H. Freedom Practice. *J of Cheragh Culture and Humanities, University of Golestan* 2018; 2(4): 4-7.
25. Razi D, Omrani Dehkahan S, Darani Zadeh A. A Sociological Approach to Literary Criticism, Emphasizing on the Formative Constructivism of Lucien Goldman. 7th Conference on Research in Persian Language and Literature; 2013. p.933-941.
26. Motahari M. Collection of Works. Qom: Sadra Publications; 2010. Vol.25.
27. Fotovatian A, Zahed Zahedani S. Freedom in Islamic Community from a Cultural Perspective,

- Presenting Ascetic Theoretical-Practical Model. *Social Theories of Muslim Thinkers* 2013; 3(2): 323-343.
28. Aghajani Bijani M, Toghyani I. A Stable Reading of Shahriyar's Poems. *Shahriar Pajoohi Studies* 2020; 6(22): 235-253.
29. Hassani Qarehchal M. Common Themes in the Divan of Shahriar and Hazrat Hafez. *Shahriar Pajoohi Studies* 2020; 6(22): 51-110.
30. Emami S. Shahriar, the Poet of the Era of Religious Exile. *Shahriar Pajoohi Studies* 2020; 6(22): 549-565.
31. Mina F. Investigating the Urban Features of Shahriar. Istanbul: 2nd International Conference on Research in Science and Technology; 2015.
32. Razzaqpour M, Doosti M. Romantic Elements in Shahriar Poems. *Quarterly Journal of Persian Language and Literature* 2013; 5(15): 239-272.
33. Shahmoradi SM. The Place of Mysticism in Shahriar Poetry. *Specialized Quarterly of Persian Language and Literature* 2010; 2(3): 149-172.
34. Arian H. Reflection of the Principles of Life and Mysticism in Shahriyar's poetry. *Irfan Specialized Quarterly* 2009; 6(22): 301-326.
35. Shahriar M. Divan Shahriar. Tehran: Neghahe Zarrin; 2011.



BEJ

Bioethics Journal

2020; 10(35): e27

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-be>



ORIGINAL RESEARCH

Components of Moral Life in the Persian Poetry Book (Divan) of Shahriar

Aliakbar Radpour<sup>1</sup>

1. Ph.D. of Azeri Turkish Literature and Language, Head of the Social and Cultural Affairs Department of the Provincial Government, Tabriz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 15 August 2020

Accepted: 09 February 2021

Published online: 20 June 2021

Keywords:

Moral Life

Shahriar

Friendship

Justice

Veracity

Poetry

ABSTRACT

**Background and Aim:** Moral life is one of the main challenges in the contemporary world. The traditional and modern worlds are very different in terms of moral life. In this regard, in the present article, an attempt is made to study the moral life components in the Persian poetry book (Divan) of Shahriyar (the prominent poet of the present time).

**Materials and Methods:** The approach of this research is descriptive-analytical and has been done with a qualitative method of documentary type. Thus, Shahriyar Persian Poetry Divan has been studied according to the moral life components considered by social theorists and philosophers, and poems related to these components have been selected and analyzed.

**Findings:** The results indicate that friendship and loyalty, justice and equality, honesty and integrity, piety and freedom, which are the most important moral life components, have been prominent in Shahriyar Persian poems. The findings also indicate that Shahriar considers the present world as a world of moral contradictions. He describes the real human beings as moral, justice-oriented, committed, pious, honest, trustworthy, and alien human as flattering, deceitful and untrustworthy and expresses his deep concerns about the morality of society, believing that the only way of moral life is religiosity and humanity.

**Ethical Considerations:** In conducting this research, the condition of fidelity, honesty and fairness has been observed.

**Conclusion:** Studying Shahriyar Persian poems (Divan) causes man to be more moral in his life and to observe moral values more than before. From the viewpoint of Shahriar, friendship and justice are complementary, without them veracity and rectitude will not make sense. In the shadow of friendship, justice, and veracity, the piety and purity are strengthened and provide the ground for living free and liberty.

\* Corresponding Author: Ali Akbar Radpour

Address: The Social and Cultural Affairs Department of the Provincial Government, Tabriz, Iran.

Postal Box: 5166616471

Tel: 09141025884

Email: rad24024@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Radpour AA. Components of Moral Life in the Persian Poetry Book (Divan) of Shahriar. *Bioethics Journal* 2020; 10(35): e27.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).